

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »

۲۵ جون ۲۰۱۵

داستان عبرت انگیز وفای به عهد

خوانندگان محترم!

می خواهم در این داستان کوتاه و عبرت انگیز را که در آن سه خصلت اخلاق انسانی (وفا به عهد ، رساندن خیر ، و عفو گذشت) با زیبایی خاصی بیان گردیده است، خدمت شما تقدیم بدارم.

می گویند در زمان خلافت امیرالمؤمنین حضرت عمر ، دو نفر جوانی را کشتان کشتان نزد حضرت عمر آوردند و گفتند یا امیرالمؤمنین این شخص قاتل پدرمان است میه خواهیم او را قصاص کنی.

امیرالمؤمنین حضرت عمر از جوان سؤال کرد چرا پدر این دو نفر را کشتی؟

جوان در جواب گفت: شتر من وارد باغ او شد و اوسنگی به طرف شترم پرتاب کرد و آن را کشت من هم باهمان سنگ به طرف او پرتاب کردم و او را از پا درآوردم .

حضرت عمر (رض) گفت: باید قصاص شوی. جوان از عمر درخواست کرد تاسه روز به او مهلت دهد تا برادر و خواهریتیمش را در سر پرستی کسی قرار دهد .

حضرت عمر گفت: چه کسی تضمین می کند که تو دوباره برگردی؟ جوان در میان جمعیت نگاهی انداخت و گفت این شخص. اشاره به طرف ابوذر کرد. ابوذر هم ضمانت جوان را قبول کرد و جوان رفت.

غروب روز سوم در حالی که مردم همه منتظر بودند تا ببینند جوان چه می کند او باعجله درحالی که آثارخستگی بر او مشهود بود از راه رسید حضرت عمر از او پرسید: چه چیز باعث شد که تو برگردی؟ می توانستی فرار کنی. جوان گفت: من برگشتم تا نگویند وفای به عهد از میان مردم رفته است.

حضرت عمر روی به طرف ابوذر نموده پرسید تو چرا او را ضمانت کردی درحالی که او را اصلاً نمی شناختی؟ گفت: تا نگویند خیر از میان امت رفته است.

آن دو نفر که از دیدن و شنیدن این کلمات سخت متأثر شدند ، از گرفتن قصاص گذشتند. سیدنا عمر پرسید شما چرا گذشت کردید؟ دو جوان گفتند: تا نگویند عفو و گذشت از میان امت رفته است.

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول مرکز فرهنگی حق لاره - جرمنی